

کنفرانس سازمان همکاری اسلامی؛ سروصدای رسانه‌ای و ناتوانی سیاسی



نظام‌های خاین جهان عرب و در عقب آن نظام خاین فلسطین تحت نام صلح و گفتگو با "دولت اسرائیل" دهه‌ها است که قلب سرزمین‌های اسلامی را به امریکا و یهود هدیه داده اند. نتیجه‌ای آن امروز، چنان شد که ترامپ "قدس" را پایتخت دولت یهود اعلان کند. بنابراین، یک عده مزدوران و دنباله‌روان غرب کافر در ترکیه جمع گردیده و پیرامون اسلام و فلسطین صحبت می‌کنند. این در حالی است که اسلام از آنها بیزار است. آنان جمع شدند تا اعتراف کنند که قدس غربی پایتخت دولت یهود باشد و این خطرناک‌تر از سخنان ترامپ در مورد به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت دولت یهود است.

آنان به حقیقت وجود کیان یهود در سرزمین مبارک فلسطین اعتراف کردند، قضیه فلسطین، قضیه بین‌المللی نبوده؛ بلکه قضیه‌ای است که احکام شرعی در مورد حرمت آن نازل گردیده و سرزمین مبارک فلسطین را سرزمینی گفته است که مسلمانان از آنجا حاکمیت جهان را رهبری می‌کنند.

یکی از اهداف چنین نشست‌ها نظیر "نشست استانبول" جلوگیری از احساسات مردم و قهر و غضب آنها است تا مبدا غضب و احساسات مردم منجر به انقلاب و ریشه کن ساختن کاخ‌های طاغوتی شان گردد. ازین رو دست به چنین کنفرانس‌ها و برخی اعتراضات نمایشی می‌زنند تا از یک سو در رقابت بین کشورها عقب قرار نگیرند و از سوی دیگر، بتوانند از احساسات مردم جلوگیری نمایند. از سوی هم حتی بسیاری از تحرکات را امریکا اجازه می‌دهد که به دستور حکام صورت گیرد تا احساسات مردم را جهت دهند.

امریکا و بریتانیا به حکام عرب اجازه می‌دهند که چنین کنفرانس‌ها و حتی اعتراض‌های مسالمت را مدیریت کنند؛ چنین کنفرانس‌ها در حقیقت تمثیل حکام دنباله‌رو را نشان می‌دهد که مجبور به تطبیق برنامه‌های که برای شان طرح ریزی می‌گردد، استند.

ترامپ چهار روز قبل به حکام و رهبرانی مانند: محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، ملک عبدالله اردن، عبدالفتاح سیسی، پادشاه مغرب و محمود عباس، در مورد قدس تماس می‌گیرد. او از بهر جلوگیری از انقلاب‌های مردمی چهارروز قبل چنین تصمیم را با مزدورانش در جریان گذاشته است تا در صورت وقوع هر نوع حادثه‌ای، مزدورانش بتوانند احساسات مردم را جهت دهند. پس از اعلان ترامپ، سخنانی در میان برخی سران سرزمین‌های اسلامی چنین رد و بدل می‌گردد که گویا ما این تصمیم را قبول نداریم و به سازمان ملل رجوع می‌کنیم. اگر امریکا بخواهد قدس شرقی و قدس غربی پایتخت دولت یهود باشد، حاکمان بی خاصیت سرزمین‌های اسلامی به تصمیم امریکا اعتراف کرده و آن را به فال نیک می‌گیرند.

امریکا می‌خواهد عرب‌ها و مسلمانان را تمرین دهد که از موقف‌های شان کنار بیایند؛ اداره امریکا از بدو ایجاد غده سرطانی تحت نام (کیان یهود) باب گفتگو را باز مانده و تحت نام گفتگو و صلح میان "اسرائیل" و "فلسطینیان" می‌خواهد برنامه‌های خود را بالای مسلمانان آهسته آهسته بقبولاند که همانا اعطای تمام سرزمین مبارک فلسطین به یهودیان است.

مسئله‌ی دیگر این که اردوغان ابراز می‌کند: «قدس به مسلمانان خط سرخ است!» چنان‌چه "حلب" و "حماء" نیز خطوط سرخ بودند که در طول زمان به خط سبز تبدیل شدند. چنین کلمات سرابی بیش نیست که مسلمان‌ها را فریب می‌دهند. حکام پاکستان نیز چنین گفتند: «قضیه فلسطین در حق مسلمانان مانند قضیه کشمیر در پاکستان است؛ ما هرگز حاضر نیستیم کشمیر را رها کنیم؛ حاضر نیستیم که کشمیر تحت اشغال هندوها قرار گیرد؛ اما در میدان عمل گذاشته اند تا کشمیر مورد اشغال قرار گیرد؛ موقف حکام فعلی جهان اسلام نیز به همین منوال است؛ به زبان می‌گویند ما حاضر نیستیم قدس به عنوان پایتخت دولت یهود قرار گیرد؛ اما در میدان عمل، نه تنها کدام کمکی می‌کنند؛ بلکه دوشادوش غرب کافر به خصوص امریکا، از هرگونه موقف‌های غرب کافر استقبال کرده و فلسطین را به یهودیان و اگذار کرده‌اند.

امروز که امریکا و یهود تحت نام مبارزه با تروریسم در برابر اسلام می‌جنگند، حکام نیز در پهلوی آنان ایستاده و هدف آنان را تقویت می‌بخشند، اگر فردا روز امریکا تصمیم گرفت مسجد الاقصی از یهود باشد، این حکام با بی

شرمی تمام تن به ذلت داده چنین تصمیمی را قبول خواهند کرد. زیرا این سخنان خود محمود عباس است که چنین می گوید: «قدس یک موضوع مقدس بوده و مربوط مسلمانان و مسیحیان می باشد»؛ این خود دلیل بر قبول کردن کیان یهود در سرزمین مبارک فلسطین است.

درین راستا نقش حزب التحریر در میان امت اسلامی برجسته است؛ همانا افشای برنامه های امریکا به جهان عرب و مسلمانان است تا امت اسلامی برنامه های خبیث که از سوی امریکا و حکام مزدور در قبال فلسطین (قدس و مسجد الاقصی) صورت می گیرد بدانند. هم چنان قبل از این که حکام لب به سخن بگشایند و یا مردم حد اقل احساسات نشان دهند، حزب التحریر از داخل مسجد الاقصی به پاخاسته و بیان داشت: «حالا وقت آن است که خلافت راشده اعلان گردد؛ وقت آن است که اعلان جهاد صورت گیرد، و تنها با راه نظامی که همانا تحریک ارتش های سرزمین های اسلامی است، می توان قدس را نجات داد.»

قدس حیثیت پایتخت فلسطین نه؛ بلکه بخش از سرزمین ولایه شام است که مربوط قلمرو خلافت شمرده می شود، از آن جا که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا

ترجمه: و همگی به رشته ناگسستنی الله سبحانه و تعالی چنگ بزنید.

اعتصام سیاسی موجودیت دولت سیاسی است که مسلمانان با خلیفه بیعت کنند. بناً حزب التحریر موقف شرعی خویش را بیان کرده و چنین ابراز می کند که هیچ گونه راه حل در مورد فلسطین وجود ندارد، مگر با خلافت، جهاد و تحریک ارتش های سرزمین های اسلامی؛ این دولت است که از وجب و جب اراضی امت دفاع می کند.

نشست سازمان همکاری اسلامی روی این موضوع توافق نمودند که قدس شرقی به عنوان پایتخت دولت فلسطین و قدس غربی پایتخت دولت یهود باشد به این معنی که تلاش صورت گیرد تا قضیه اشغال به حل بین دولت یهود و فلسطین بیانجامد، قبلاً می گفتند قدس پایتخت دولت فلسطین باشد؛ اما امروزه خود اقرا می کنند که قدس شرقی پایتخت دولت فلسطین باشد، این سروصداها و غوغای رسانه ای حکام است که به مردم چنین ابراز می کنند: «قدس خط سرخ مسلمان ها است و یا تصمیم ترامپ را قبول نداشته و به سازمان ملل رجوع می کنیم!» اصلاً 78 سال قبل طرح دولت اسرائیل صورت گرفته و فلسطین را بحیث کیان یهود اعلان کرده اند،

ولی آهسته آهسته توسط گفتگوها و پایین آمدن مسلمانان از موقف‌های شان، امروزه توانستند قدس غربی را رسماً به عنوان پایتخت دولت یهود اعلان کنند.

این نتایج دردناکی است که سازمان همکاری اسلامی به مسلمانان ارائه می‌کند، در ظاهر به مردم می‌گویند روابط خود را با اسرائیل قطع می‌کنیم در حقیقت آنان دیپلوماسی می‌کنند، حکامی که ارتش‌های شان را ذلیل و ترسو در برابر کفار تر بیه کردند، چه چیز مانع می‌شود که این حکام برای تطبیق دین الله سبحانه و تعالی نصرت ندهند! این در حالی است که هنوز سفارت اسرائیل در انقره و سفارت ترکیه در تل ابیب موجود است.

بنابراین، قضیه فلسطین چنین است که آن را حکامی که در کنار دشمنان پرورش یافته اند و برای آنان از مقدسات امت اسلامی بخاطر حفظ کرسی ناچیز و تاج ذلیل خویش، آشکارا و آفتابی به سرعت گذشت و تنازل می‌کنند، این‌گونه حکام هرگز آن را از پلیدی یهود پاک نخواهند کرد، هم‌چنان "سلطه خود گردان" که نه نیرو دارد و نه توان فلسطین را آزاد نخواهد کرد. فلسطین را عمر فتح نموده بود و از صلیبی‌ها صلاح الدین آزادش کرده بود، حالا هم به نواسه‌های عمر و نواسه‌های صلاح الدین ضرورت دارد تا از پلیدی یهود آزادش کند.

عثمان طه